

تنبل خانه شاه عباس: از حکایت عبرت آموز تا ضرب المثل نیش دار

۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ ساعت ۲۰:۰۱

پشت پرده ضرب المثل معروفی که هر روز می شنویم چیست؟ داستان تنبل خانه شاه عباس، نه فقط یک حکایت تاریخی است، بلکه آینه‌ای است تمام نما از سوء استفاده، بی مسئولیتی و درس‌هایی که هرگز نباید فراموش کنیم. بیایید سفری کنیم به اصفهان قدیم و ببینیم چگونه یک ایده خیرخواهانه، به ضرب المثل نیش دار تبدیل شد.

داستان تنبل خانه شاه عباس صفوی، یکی از حکایت‌های مشهور و آموزنده در فرهنگ عامه ایران است که در طول زمان به ضرب المثل تبدیل شده و همچنان کاربرد دارد. این داستان، با وجود روایات مختلف، همواره یک پیام واحد را منتقل می کند: انتقاد از تنبلی، سوء استفاده از موقعیت و بی مسئولیتی.

روایت داستان:

روایت‌های گوناگونی از داستان تنبل خانه شاه عباس وجود دارد، اما مضمون کلی آن‌ها به این شرح است:

گویند روزی شاه عباس کبیر در حال بازدید از قلمرو خود بود که متوجه شد در میان مردم، عده‌ای تنبل و بیکار وجود دارند که هیچ کاری برای امرار معاش خود انجام نمی دهند. شاه که قلبی مهربان و دلسوز داشت، تصمیم گرفت برای این افراد سرپناه و امکاناتی فراهم کند تا از فقر و گرسنگی نجات یابند.

به دستور شاه، "تنبل خانه" ای در اصفهان بنا شد و بودجه‌ای نیز برای تامین نیازهای ساکنان آن اختصاص یافت. در این تنبل خانه، به افراد تنبل غذا، پوشاک و مسکن رایگان داده می شد.

اما دیری نپایید که این اقدام، نتیجه‌ای معکوس به بار آورد. خبر تاسیس تنبل خانه در سراسر کشور پیچید و افراد بسیاری، به طمع استفاده از امکانات رایگان، خود را به تنبلی زدند و روانه اصفهان شدند. تنبل خانه مملو از افرادی شد که هیچ تمایلی به کار و تلاش نداشتند و فقط به دنبال استفاده از امکانات مجانی بودند.

شاه عباس که از این وضعیت ناخشنود بود، تصمیم گرفت برای حل این مشکل چاره‌ای بیاندیشد. او مشاوران خود را جمع کرد و از آن‌ها خواست تا راهی برای تشخیص تنبل‌های واقعی از تنبل‌نماها پیدا کنند.

مشاوران طرح‌های مختلفی ارائه دادند، اما هیچ کدام از آن‌ها کارساز نبود. سرانجام، یکی از درباریان پیشنهاد داد که تنبل‌ها را به حمامی ببرند و حرارت آن را به تدریج افزایش دهند. به این ترتیب، تنبل‌نماها که تحمل گرما را نداشتند، فرار می کردند و تنها تنبل‌های واقعی باقی می ماندند.

شاه عباس این پیشنهاد را پذیرفت و دستور داد تا تنبل‌ها را به حمام ببرند. همان طور که پیش‌بینی شده بود، بسیاری از افراد که صرفاً به طمع استفاده از امکانات رایگان خود را تنبل جا زده بودند، با بالا رفتن حرارت حمام، پا به فرار گذاشتند. اما تعدادی از

افراد که واقعاً تنبل و بی‌حوصله بودند، در حمام باقی ماندند و به سوختن و تحمل گرما ادامه دادند. (در برخی روایات آمده که حتی حاضر نشدند از جای خود بلند شوند و از شدت گرما شکایت می‌کردند.)

ضرب‌المثل ”مگه تنبل خونه شاه عباسی؟“:

عبارت ”مگه تنبل خونه شاه عباسی؟“ به طور مستقیم از این داستان الهام گرفته شده است. این ضرب‌المثل، کنایه‌ای است برای اشاره به مکان یا شرایطی که در آن افراد به تنبلی، بی‌نظمی و سوء استفاده از امکانات می‌پردازند. وقتی کسی در انجام کاری کوتاهی می‌کند، یا از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کند، یا در مکانی بی‌نظمی و هرج و مرج ایجاد می‌کند، به او می‌گویند ”مگه تنبل خونه شاه عباسی؟“

به عبارتی دیگر، این ضرب‌المثل یادآور داستان تنبل‌خانه‌ای است که به جای کمک به افراد نیازمند، به محلی برای ترویج تنبلی و سوء استفاده تبدیل شد. این عبارت، امروزه نیز برای تذکر دادن به افراد تنبل و بی‌مسئولیت و یا انتقاد از محیط‌هایی که در آن‌ها تنبلی و سوء استفاده رواج دارد، به کار می‌رود و به عنوان یک هشدار عمل می‌کند تا از تبدیل شدن یک موقعیت به ”تنبل‌خانه شاه عباسی“ جلوگیری شود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/50093/دار-نیش-المثل-ضرب-آموز-عبرت-حکایت-عباس-شاه-خانه-تنبل/>